

عنوان:

بررسی ضرورت نیاز به آموزش کارآفرینی و خوداشتغالی در بین دانشجویان کشاورزی

(۱) هستی فتوتی، (ukabed_63@yahoo.com)

دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین

(۲) مولودچرمزاده

دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین

(۳) دکتر عبدالعظیم آجیلی

استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی

(۴) سید عطاالله نوربخش

کارشناس زراعت و اصلاح نباتات

چکیده :

مسئله بیکاری طی سال‌های اخیر در زمره مهم‌ترین تهدیدهای امنیت و توسعه ملی مطرح شده است. کارشناسان، صاحب‌نظران و دولت‌مردان همگی از بیکاری می‌گویند، ولی برنامه کارآمدی که به رویارویی با این مسئله بپردازد و همه ابعاد آن را تحت پوشش قرار دهد و پیامدهای منفی آن را کنترل کند تاکنون اجرا نشده است. در این میان مسئله بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی از حساسیت و اهمیت بیشتری برخوردار است چرا که هر سال بخش قابل توجهی از منابع انسانی و محدود کشور صرف تربیت این گروه می‌شود و در درجه بعدی طی دهه‌های اخیر به نحو فزاینده‌ای، سطح پیشرفت و توسعه هر کشوری تحت تأثیر نحوه استفاده از سرمایه‌های انسانی قرار گرفته است و دانش‌آموختگان مظهر و نمونه‌ای از سرمایه‌های انسانی جامعه محسوب می‌شوند. متأسفانه دانش‌آموختگان دانشگاهی در بخش کشاورزی، وضعیتی بسیار نامطلوب‌تر نسبت به سایر رشته‌ها دارند. به علاوه مشکل بیکاری را نمی‌توان با اقدامی ضربتی و با تجویز یک نسخه مرتفع کرد. بلکه این امر مستلزم برنامه‌ریزی درازمدت و توجه به جنبه‌های مختلف از جمله توسعه روستایی، صادرات، توسعه صنعت و غیره است. در این میان یکی از روش‌های حل مشکل بیکاری ترویج و تشویق فرهنگ خوداشتغالی است. از سوی دیگر در ایران خوداشتغالی به ویژه در میان دانش‌آموختگان دانشگاهی هنوز رایج نشده است و متأسفانه اغلب دانش‌آموختگان در جستجوی استخدام در دستگاه‌های دولتی و شرکت‌های بزرگ هستند. بنابراین یکی از چالش‌های اساسی و عمده آموزش عالی ایران در بخش کشاورزی، توسعه کارآفرینی و خوداشتغالی در میان دانشجویان و فارغ‌التحصیلان آن خواهد بود. این مقاله درصدد است که به بررسی اهمیت خوداشتغالی و کارآفرینی در زمینه کشاورزی و چگونگی دستیابی به ارتقاء و خلق خوداشتغالی و کارآفرینی در بین دانش‌آموختگان کشاورزی را بررسی و در این زمینه راهکارهای لازم را ارائه می‌نماید.

کلمات کلیدی: کارآفرینی، خوداشتغالی، دانش‌آموختگان

مقدمه :

مسئله بیکاری طی سال های اخیر یکی از چالش های اساسی اقتصادی - اجتماعی در زمره مهم ترین تهدیدهای امنیت و توسعه ملی مطرح شده است. در این میان مسئله بیکاری دانش آموختگان آموزش عالی از حساسیت و اهمیت بیشتری برخوردار است نخست به دلیل آن که هر سال بخش قابل توجهی از منابع انسانی و محدود کشور صرف تربیت این گروه می شود و در درجه بعدی طی دهه های اخیر به نحو فزاینده ای، سطح پیشرفت و توسعه هر کشوری تحت تأثیر نحوه استفاده از سرمایه های انسانی قرار گرفته است و دانش آموختگان مظهر و نمونه اعلا سرمایه های انسانی جامعه محسوب می شوند (کردنائیچ و دلخواه، ۱۳۸۳). همچنین بیکاری به عنوان یک پدیده بسیار نگران کننده اجتماعی، سالیانی است که دامن گیر مردم کشور ما شده است و متأسفانه سال به سال نیز رو به گسترش دارد. اکنون سایه نگرانی را در چهره جوانان و خانواده های آنان آشکارا می توان دید. کارشناسان، صاحب نظران و دولت مردان همگی از بیکاری می گویند، ولی برنامه کارآمدی که در حوزه رویارویی با این مسئله باشد و همه ابعاد آن را تحت پوشش قرار داده و پیامدهای منفی آن را کنترل کند تاکنون اجرا نشده است. از همین روی مشکل بر جای خود باقی است، مگر اراده ای نیرومند و تدبیری جامع که آن را مهار نماید (فمی و همکاران، ۱۳۸۶). به علاوه مشکل بیکاری را نمی توان با اقدامی ضربتی و با تجویز یک نسخه مرتفع کرد. بلکه این امر مستلزم برنامه ریزی درازمدت و توجه به جنبه های مختلف از جمله توسعه روستایی، صادرات، توسعه صنعت و غیره است. در این میان یکی از روش های حل مشکل بیکاری، ترویج و تشویق فرهنگ خوداشتغالی است (محمودی نژاد و همکاران، ۱۳۸۳). خوداشتغالی یا کار برای خود به عنوان نوعی اشتغال در بخش غیر مزدبگیر است. در این بخش افراد فاقد سرمایه با اتکاء به خلاقیت، توان و استعداد شخصی و نوآوری های مربوط به رشته تخصصی خود یک فعالیت تولیدی را آغاز و به تدریج آماده ورود به فعالیت های بزرگتر و گسترده تر می شوند. در این حالت فرد مدیر خود است و به طور مستقیم از منابع حاصل از تلاش های خود بهره مند می شود. فرد خوداشتغال از آزادی و استقلال عمل بیشتری برخوردار است و در حیطة تصمیم گیری های مربوط به کسب و کارش از اختیارات وسیع تری برخوردار است (فمی و همکاران، ۱۳۸۶).

از سوی دیگر در ایران خوداشتغالی به ویژه در میان دانش آموختگان دانشگاهی هنوز رایج نشده است و متأسفانه اغلب فارغ التحصیلان در جستجوی استخدام در وهله اول در دستگاه های دولتی و پس از آن در شرکت های بزرگ هستند یکی از دلایلی که در کشور ما با پدیده بیکاری فارغ التحصیلان روبرو هستیم به رغم درصد پایین دانش آموختگان در کل جمعیت کشور نسبت به بسیاری از کشورهای غربی و حتی کشورهای همتراز همین امر است (سلیمی و حسینی خواه، ۱۳۸۵). بنابراین برای رفع این مشکل، اولین راه حل آن است که نظام آموزشی اعم از مدارس و مراکز دانشگاهی به آموزش کارآفرینی به پردازند و هدف از آموزش کارآفرینی در دانشگاه ها، تدوین سیاست هایی است که دانشجویان و هیئت علمی را به این امر تشویق و آنان را در این مسیر مساعدت کند. برنامه های آموزشی و درسی در کلیه رشته ها و فرایندهای اجرایی آن ها باید به گونه ای طراحی شوند که مهارت های لازم را در دو محور، مهارت های فردی و تخصصی به دانشجویان ارائه کند (Yip. Loewe and Yoshino, 1998).

مفهوم کارآفرینی:

واژه کارآفرینی واژه‌ای است نو، که از خود کلمه نمی‌توان به مفهوم واقعی آن دست یافت؛ این واژه به جای کلمه Entrepreneurship به کار رفته و در اصل از زبان فرانسه به دیگر زبان‌ها راه یافته است. به عبارت دیگر هنوز در فارسی معادل دقیقی برای انتقال مفهوم آن وجود ندارد و اغلب واژه «کارآفرینی» شنونده ناآشنا به آن را به اشتباه می‌اندازد. به‌طور کلی «کارآفرینی» از ابتدای خلقت بشر و همراه با او در تمام شئون مختلف زندگی انسان حضور داشته و مبنای تمامی تحولات و پیشرفت‌های بشری بوده است. از این رو تعریف‌های زیاد و متنوعی از آن شده است، با این همه، مفهوم و ماهیت اصلی کارآفرینی هنوز شناخته شده نیست و نمی‌توان تعریف استاندارد، جامع و مانعی از آن به دست آورد. مک کله‌لند، مشکل تعریف کارآفرینی و اختلاف نظرها در این مورد را ناشی از معشوش شدن نقش‌ها و موقعیت‌ها (roles - status) می‌داند و معتقد است رفتار کارآفرینانه را باید از رفتار کارآفرینان جدا دانست. او معتقد است، اگر فقط نقش‌ها یعنی رفتارهای کارآفرینانه را، بدون توجه به وضعیت (Status) آنها در نظر بگیریم کارآفرینی بسیار گسترده‌تر می‌شود و کلیه فعالیت‌های انسان را دربرمی‌گیرد، زیرا همه فعالیت‌های انسان می‌تواند به روش کارآفرینانه به اجراء درآید (احمدپور داریانی، ۱۳۸۱). در ایران مفهوم Entrepreneur در ابتدا با عنوان اشتباه کارفرما مورد استفاده قرار گرفت و چون معنا و مفهوم واژه کارفرمایی برای صاحب‌نظران امر توسعه و محققان مختلف مسلم و هویدا بود، کمتر مورد مطالعه و بررسی واقع گردید؛ تا این که در دهه ۱۳۷۰ پس از پی بردن به اهمیت و نقش واژه Entrepreneurship در توسعه اقتصادی اجتماعی کشورهای مختلف از سوی صاحب‌نظران و محققان داخلی، برای آن واژه دیگری با عنوان کارآفرینی انتخاب گردید و از آن پس بررسی و مطالعه آن به شکل جدی مورد توجه محققان داخلی قرار گرفت (عزیزی و حسینی، ۱۳۸۵).

برخی از معروف ترین تعاریف کارآفرینی عبارتند از:

- فرایند ایجاد ثروت.
- فرایند هدایت به «خلق سازمان جدید» بدون توجه به نوع و پتانسیل سازمان.
- توسعه موقعیت‌ها و اقدام‌های نوآورانه همراه با خطر، چه در سازمانی که قبلاً تأسیس شده یا سازمانی که جدیداً تأسیس شده است. به صورت آزاد و مستقل روش اداره‌ای است که فرصت‌ها را بدون در نظر گرفتن منابع موجود و قابل کنترل، تعقیب می‌کند.
- وظایف، فعالیت‌ها و اعمالی است که برای تحقق فرصت شناخته شده و ایجاد سازمانی مناسب به اجرا در می‌آید.
- فرایندی فراتر از شغل و حرفه است و در واقع یک شیوه زندگی است (صمدآقایی، ۱۳۷۸).

آموزش کارآفرینی:

امروزه به علت افزایش گرایش افراد، بخصوص جوانان به انجام فعالیت‌های کارآفرینانه، آموزش کارآفرینی به موضوع مهمی در مجامع علمی و غیر علمی تبدیل شده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مهمترین عامل مؤثر در حرکت کارآفرینی از قوه به فعل، بروز روحیه کارآفرینی در افراد از طریق آموزش می‌باشد و مناسب‌ترین محیط برای پرورش

کارآفرینان، در هر جامعه‌ای، محیط‌های آموزشی و به ویژه مدارس (از ابتدایی تا دبیرستان) می‌باشد. همان‌طور که گفته شد، عامل انسانی مهم‌ترین جنبه کارآفرینی بوده و آموزش عامل انسانی در روند پیشرفت کارآفرینی تأثیر بسزایی داشته و خواهد داشت. آموزش کارآفرینی روندی است که از دهه ۱۹۶۰ با فعالیت‌های دیوید مک‌کله‌لند با آموزش بازرگانان هندی آغاز و از اوایل دهه ۱۹۸۰ بود که به آن توجه بسیار جدی صورت گرفت و پس از آن دانشگاه‌ها با ایجاد دوره‌ها و حتی رشته‌های کارآفرینی اقدام به تربیت ارباب‌رجوع‌ها و دانشجویان در مقاطع مختلف دانشگاهی (کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) و پیش‌دانشگاهی (دبیرستان، راهنمایی و ابتدایی و حتی پیش‌دبستان) نیز نمودند و امروزه آموزش کارآفرینی به یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین فعالیت‌های مؤسسات آموزشی مثل دانشگاه‌ها، آموزشکده‌های محلی، آموزشگاه‌ها، مؤسسات غیرانتفاعی آموزشی، سازمان‌ها و بنگاه‌های خیریه و مذهبی و ... تبدیل شده است (صالحی و برادران، ۱۳۸۵).

لازم به ذکر است، یکی از اهداف اصلی آموزش کارآفرینی این است که آموزش کارآفرینی مسئله‌ای مجزا از آموزش معمول کسب و کار است. اصولاً ورود به تجارت، فعالیتی است که با مدیریت کسب و کار تفاوت دارد. آموزش کارآفرینی باید به ماهیت مبهم و نامشخص ورود به تجارت نیز توجه داشته و برای نیل به این هدف، لازم است شامل واحدهای مهارت‌ساز در مذاکره، رهبری، توسعه محصول جدید، تفکر خلاق و رویکرد باز به نوآوری‌های فن‌آوری باشد. سایر قلمروهایی که برای آموزش کارآفرینی مهم تشخیص داده شده‌اند؛ عبارتند از:

- ۱- انتخاب‌های موجود در شغل کارآفرینی
- ۲- منابع سرمایه برای کسب و کار
- ۳- حفظ ایده
- ۴- شاخصه‌های شخصیت کارآفرینی
- ۵- تحمل ابهام
- ۶- چالش‌های همراه با هر مرحله از توسعه کسب و کار (Kuratko, 2004).
- ۷-

اهمیت و ضرورت آموزش کارآفرینی:

امروزه که کار و فعالیت شکل تازه‌ای به خود گرفته است و به سوی خودکارفرمایی و خوداشتغالی در حرکت است. کارآفرینی و کارآفرینان نقش کلیدی در روند توسعه و پیشرفت اقتصادی جوامع مختلف ایفا می‌کنند. در دنیای در حال تحول امروز کامیابی از آن جوامع و سازمان‌هایی است که بین منابع کمیاب و قابلیت‌های مدیریتی و کارآفرینی منابع انسانی خود رابطه معنی‌داری برقرار سازد. به عبارتی دیگر جامعه و سازمانی می‌تواند در مسیر توسعه، حرکت رو به جلو و با شتابی داشته باشد که با ایجاد بسترهای لازم منابع انسانی خود را به دانش و مهارت کارآفرینی مولد تجهیز کند تا آن‌ها با استفاده از این توانمندی ارزشمند سایر منابع جامعه و سازمان را به سوی ایجاد ارزش و حصول رشد و توسعه، مدیریت و هدایت کنند (توکلی مقدم و همکاران، ۱۳۸۶). شرایط اقتصادی، صنعتی، اجتماعی و فرهنگی امروز کشور به گونه‌ای است که حل مشکلات و تنگناها، الگوها و راه‌حل‌های جدید و متفاوتی را طلب می‌کند. ترکیب جمعیتی جوان کشور، ضرورت ایجاد فرصت‌های شغلی و نیز نوسان بهای نفت سه عامل عمده‌ای هستند که موجب می‌شوند سیاستگذاران و تصمیم‌سازان کلان کشور به منبع درآمد سهل‌الوصول دیگری به جز نفت بیندیشند و بی‌شک آن منبع جز ابتکار، خلاقیت و نوآوری چیز دیگری نیست. باید توجه داشت که کارآفرینان تنها به ایجاد فرصت‌های شغلی جدید نمی‌پردازند بلکه با ساختار، تفکر، تحرک و فرهنگ لازم از دل ویرانه‌های کهن بنای رفیع آبادانی و پیشرفت را برافرازند. آن‌چه در شرایط سخت کنونی

ضرورت آن در جامعه بیش از پیش احساس می شود، پرداختن به این مقوله اساسی، یعنی کارآفرینی است. زیرا مسلماً کارآفرینان با توجه به خصوصیات ممتاز و برجسته خود قادرند در چنین شرایطی با خلاقیت خود منابع لازم برای ایجاد رشد و توسعه در زمینه های تولید و منابع انسانی فراهم کرده، اشتغال و کسب و کار جدید ایجاد کرده و با نوآوری صنعتی بر توسعه دامنه محصولات و خدمات بیفزایند (ملیتو، ۲۰۰۵).

دوره های آموزش کارآفرینی به لحاظ هدف، به ۵ دسته تقسیم بندی می شوند:

- ۱- برنامه های افزایش دهنده آگاهی و دانش و گرایش و جهت گیری به سوی کارآفرینی در فراگیران (تغییر دانشی و بینشی)؛
- ۲- برنامه های تشویق کننده و حمایت کننده توسعه تاسیس شرکت ها و کسب و کارهای جدید؛
- ۳- دوره های پوشش دهنده رشد و بقای کارآفرینان و کسب و کارهای کوچک در حال فعالیت؛
- ۴- برنامه های توسعه آموزشی کارآفرینی (شامل روش های جدید آموزشی و تعیین نقش های نوین دانشجو و استاد در فرآیند آموزش کارآفرینی)؛
- ۵- برنامه های توسعه تحقیق در کارآفرینی و آموزش کارآفرینی (انتشار کتب، مجلات، مقالات، برگزاری سمینارها، کارگاه های آموزشی و ...).

اهداف آموزش کارآفرینی:

الف) کسب دانش مربوط به کارآفرینی: دانش بسیاری را می توان از طریق آموزش کارآفرینی در زمینه هایی هم چون تعریف کارآفرین، کارآفرینی، تاریخچه کارآفرینی، ویژگی های افراد کارآفرین، سیر نظری مباحث کارآفرینی، مزایای کارآفرینی و زندگی نامه کارآفرینان بزرگ کسب کرد.

ب) حل مشکلات اشتغال و بهبود بهره وری: از آن جا که از یک سو، کشاورزی دیگر کمتر می تواند اشتغال زا باشد و از سوی دیگر فراگیری و ورود به کارهای سودآور نیز برای همه میسر نیست، به نظر می رسد آموزش کارآفرینی راه حل مطلوبی برای حل مشکلات اشتغال و بهره وری است. در این زمینه افراد بسیاری که در نقاط جغرافیایی متعددی پراکنده هستند باید آموزش ببینند که این کار به طور معمول از طریق اینترنت، آموزش مجازی و از راه دور و توسط مؤسسات کارآفرینی صورت می گیرد. برای مثال، مؤسسه اینگ نو در هند در سال ۱۹۸۵ تأسیس شد و آموزش دروس مربوط به کارآفرینی و مدیریت مؤسسات کوچک نیز بر عهده یکی از کمیته های آن قرار گرفت.

ج) شناسایی و تحریک استعدادها و مهارت های کارآفرینانه: ایجاد و تقویت ارزش ها، نگرش ها و رفتارهای کارآفرینانه نیازمند شناسایی و تحریک استعدادها و مهارت های آن است. این هدف به طور عمده در قالب سیاست ها و برنامه های تشویقی، ترویجی و آموزشی پیگیری می شود.

د) القای مخاطره پذیری با استفاده از فنون تحلیلی: برای کارآفرینی باید شجاعتی زیرکانه داشت که خود متکی به دو عامل یکی اعتماد به نفس (برای آموختن چیزهایی که نمی دانیم) و دیگری شجاعت (برای رویایی با شکست یا پذیرش مخاطره) است.

ه) **تجدید نگرش ها در جهت پذیرش تغییر:** کارآفرینی یکی از عواملی است که سبب رشد و توسعه اقتصادی کشورها در عصر حاضر می شود. این نقش کلیدی کارآفرینی بیش از هر چیز معطوف به قبول انعطاف ساختارهای سازمانی و اعمال استراتژی های تغییر و تحول مستمر و پویا در سیستم ها، فرایندها و در نهایت کالاها و خدمات است (شفیع زاده، ۱۳۸۶).

تعریف خود اشتغالی :

برای خوداشتغالی تعاریف زیادی ارائه شده که به مهم ترین آن ها اشاره می شود. خوداشتغالی یا کار برای خود، نوعی اشتغال است که افراد بیکار از طریق مشارکت در برنامه های آموزشی، همراه با فراگیری یا توسعه اطلاعات و ارتقاء دانش فنی و مهارت حرفه ای خود، از امکانات مورد نیاز برای تهیه ابزار و لوازم کار، مواد اولیه و امکانات لازم برای تولید، عرضه و فروش کالا و خدمات بهره مند می شوند (فمی و همکاران، ۱۳۸۶).

یکی از حقوق فردی افراد رشید هر جامعه این است که شغلی داشته باشند و از طریق آن امرار معاش کرده و به اقتصاد کشور خویش کمک کنند. فرد می تواند اشتغال خود را در سازمان های دولتی و شرکت های بزرگ و کوچک جستجو کند و به عبارت دیگر در استخدام دیگران قرار گیرد و یا می تواند کسب و کار تأسیس کرده و برای خودش کار کند و یا به اصطلاح در استخدام خودش قرار گیرد به حالت دوم خوداشتغالی گویند (مصلح شیرازی، ۱۳۸۲). در این حالت، شخص رئیس خودش است و از نظر مادی به طور مستقیم تری از هرگونه تلاشی که می کند بهره مند می شود. فرد خوداشتغال از آزادی و استقلال عمل بیشتری برخوردار است و در عمل در مورد تصمیم ها مربوط به اینکه چگونه کسب و کارش را اداره کند، اختیارات وسیعی دارد. نتیجه تصمیم ها و برنامه های او، هرچه که باشد، خوب یا بد، موفقیت یا شکست، نیز به طور مستقیم متوجه خود اوست (همان منبع).

از نظر برخی، خوداشتغالی فرصتی است برای ارتقاء حرفه ای از طریق کسب درآمد بیشتر و یا کسب جایگاه اجتماعی بالاتر پاره ای دیگر نیز به دنبال محاسن شخصی آن همانند امکان کار در منزل، داشتن ساعات کاری انعطاف پذیر و یا کسب درآمد از محل فعالیت ها و کارهایی است که مورد علاقه شان می باشد. خودشاغل ممکن است دارای کارگاهی باشد که در آن به تنهایی کار می کند یا افراد دیگری را نیز به استخدام خود را در می آورد و حتی از اعضای خانواده خود نیز بهره می گیرد. خودشاغلین در بنگاه های غیر سهامی کار نموده و در شرکت های سهامی دولتی یا خصوصی فعال نمی باشند (بی نظیر، ۱۳۸۲).

ویژگی های فرد خود اشتغال:

- ۱- مالک واحد کسب و کار است.
- ۲- در معرض خطرپذیری مالی شرکت یا واحد کسب و کار است و هزینه های ناشی از سوء مدیریت را متقبل و متحمل می شود.
- ۳- مسئولیت سرمایه گذاری و مدیریت واحد کسب و کار بر عهده وی است.
- ۴- از مزایای ناشی از مدیریت مناسب و مطلوب به طور مستقیم بهره مند می شود.
- ۵- بر فعالیت ها کنترل مستقیم دارد و زمان، مکان و چگونگی انجام کارها را خود تعیین می کند.
- ۶- در به کارگیری افراد دیگر برای انجام کار، آزاد و مختار است.

- ۷- مسئول اصلی تأمین منابع، تجهیزات و ماشین‌های مورد نیاز برای کسب و کار است.
- ۸- در بیمه کردن واحد کسب و کار یا خودش، آزاد و مختار است.
- ۹- خودش در خصوص تعداد ساعت کاری مورد نیاز برای انجام فعالیت‌ها در واحد کسب و کار تصمیم می‌گیرد یا به عبارت دیگر ساعت کاری و کار او انعطاف‌پذیر است.
- ۱۰- یک فرد خوداشتغال در واحد کسب و کار خود می‌تواند شاغل معمولی یک شرکت دیگر نیز باشد.
- ۱۱- در قبال پرداخت مالیات و عوارض واحد کسب و کار مسئولیت دارد (DETE, 2004).

علل گرایش به خوداشتغالی:

- گرایش به خوداشتغالی در بسیاری از جوانان وجود دارد که دلایل عمده این گرایش عبارتند از:
- ۱- بسیاری از افراد ترجیح می‌دهند تا به جای دیگران برای خود کار کنند و رفاه بیشتری کسب کنند.
 - ۲- کار کردن در محیط اداری یا شرکت‌های دیگران برای فرد کارآفرین سخت و دشوار است.
 - ۳- افرادی که خود کسب و کاری را راه اندازی می‌کنند از رضایت درونی بیشتری برخوردارند و قادرند در کار خود تنوع، خلاقیت و نوآوری بیشتری داشته باشند.
 - ۴- راه اندازی کسب و کار به فرد این امکان را می‌دهد که از همه دانش، مهارت‌ها و ایده‌های خود استفاده نماید.
 - ۵- افراد کارآفرین ترجیح می‌دهند تا به جای کارفرماهایشان، خود از نتیجه کارشان سود ببرند (احمد پور داریانی و عزیزی، ۱۳۸۳).

عوامل مؤثر بر رشد خوداشتغالی:

در بررسی عوامل مؤثر بر رشد خوداشتغالی در کشورهای گوناگون تجارب متفاوتی را می‌توان یافت که الگوهای مناسبی برای سایر کشورها هستند. عوامل عمده مؤثر بر رشد خوداشتغالی در کانادا عبارتند از (فمی و همکاران، ۱۳۸۶):

- ۱- روی آوردن شرکت‌ها به منبع یابی بیرونی
 - ۲- کاهش رشد اقتصادی بین سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۹۳
 - ۳- تمایل افراد ماهر و تحصیل کرده به استقلال بیشتر شغلی
 - ۴- رشد فناوری در برخی زمینه‌ها مانند اینترنت و تجارت الکترونیکی
- به علاوه دلایل رشد خوداشتغالی را باید در طبقات مختلف به طور جداگانه بررسی کرد. دلایل رشد خوداشتغالی در بین افراد تحصیل کرده متفاوت از دلایل این امر در بین افراد کم‌سواد است. اگر رشد و فعالیت‌های اقتصادی کشور به سویی هدایت شود که تقاضا برای مشاغل ساده که نیازمند مهارت بالا نیستند، افزایش یابد، احتمالاً خوداشتغالی در بین افراد کم‌سواد و با مهارت بالا پایین‌تر یافته و این گروه مایل هستند که در خدمت مشاغل تعریف شده جدید قرار گیرند. این در حالی است که توسعه صادرات و ارتباطات اقتصادی بین‌المللی موجب رشد خوداشتغالی در بین افراد تحصیل کرده و آشنا با مهارت‌های فناوری‌های پیشرفته می‌شود. بنابراین در مطالعه خوداشتغالی باید به عوامل مهمی نظیر سن، جنس و بخشی که فرد در آن فعالیت می‌کند توجه شود.

ارتباط آموزش با خوداشتغالی:

بین آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و خوداشتغالی پیوندی انکارناپذیر وجود دارد. در واقع اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه خوداشتغالی مستلزم تغییر و تحول در ساختار و محتوای این آموزش‌ها است. نتیجه یک مطالعه در سطح شهرستان کرج نشان داده است که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تنها یکی از پیش شرط‌های خوداشتغالی است. در صورتی که سیاست کشور بر گسترش خوداشتغالی استوار باشد، باید علاوه بر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، شرایط دیگری را برای کارآموختگان فراهم کند، به ویژه اگر توسعه کسب و کارهای جدید مورد توجه باشد. نتایج این تحقیق گویای این نکته بود که اکثر کارآموختگان رشته‌های فنی و حرفه‌ای درک و شناخت درستی از خوداشتغالی نداشتند (محمودی نژاد و همکاران، ۱۳۸۳).

به هر حال توسعه خوداشتغالی مستلزم تحول در انواع آموزش‌ها و گروه‌های مختلف مخاطبان است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که برای گسترش خوداشتغالی در بین دانش‌آموختگان کشاورزی علاوه بر تأمین سرمایه و سایر امکانات، باید در برنامه‌های تحصیلی آنان نیز تغییراتی ایجاد شود. گنجاندن دوره‌های آموزش تکمیلی پودمانی در برنامه‌های آموزش عالی کشاورزی یکی از این راهکارهاست.

آموزش کارآفرینی، نیازی اساسی برای دستیابی به خود اشتغالی در دانشجویان کشاورزی

بیکاری یک پدیده اجتماعی است که در اکثر کشورهای جهان مشاهده می‌شود. این پدیده باعث مشکلات اجتماعی مختلفی مانند رواج فقر، شرایط سخت زندگی در کشور و بروز بیماری‌های جسمی و روانی در افراد جامعه می‌شود. بنابراین کنترل بیکاری یکی از مهمترین اهداف دولتمردان و سیاستمداران می‌باشد (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۳). همچنین جامعه بیکار جامعه خوشبختی نیست، یک مطالعه میدانی جدید جهانی نشان می‌دهد که بیش از درآمد، که اقتصاد تا به حال آن را مهمترین وسیله دستیابی به مطلوبیت اقتصادی می‌دانسته است این اشتغال است که خوشبختی می‌آورد. هر روز بیکاری، منابع مادی و معنوی را چنان به راحتی به هدر می‌دهد که هیچ‌گاه قابل بازیابی و جبران نخواهد بود. در حالی که کار «جوهر» است، بدون آن انسان‌ها خشک می‌شوند. در مقابل بیکاری، اشتغال موجب انباشت سرمایه و بهره‌برداری بهینه از منابع مادی و معنوی می‌شود (فمی و همکاران، ۱۳۸۶).

بیکاری نشانه توسعه نیافتگی در کشورهای جهان سوم است. در بسیاری از کشورها بیکاری آشکار در مناطق شهری دامن گیر ۱۵ تا ۲۰ درصد نیروی کار است که معمولاً بین افراد ۱۵ تا ۲۰ ساله شایع است. مسئله بیکاری در کشورهای جهان سوم مزمن است و به دوره‌های رونق و رکود منحصر نمی‌شود. با توجه به شرایط امروز جامعه که به شدت از عوامل بیرونی و جهانی تأثیر می‌پذیرد، طرح‌های مقطعی و راهکارهای سنتی ایجاد اشتغال و تولید چندان کارساز نیست. یکی از اقداماتی که در این شرایط باید صورت گیرد بازکاوی نظام آموزش عالی است تا بتوان بر اساس آن فرصت‌های شغلی جدید را تعریف و به جامعه معرفی نمود (فمی و همکاران، ۱۳۸۶). همچنین هر کشوری، برای رفع محدودیت‌های کار دستمزدی و استخدامی بخش عمومی تلاش می‌کند، از این رو به بخش‌های غیر رسمی و خوداشتغالی روی می‌آورد تا برای رفع مشکل بیکاری، چاره‌ای بیندیشد. مقوله آموزش کارآفرینی و خوداشتغالی موضوع تازه‌ای برای آموزش و پرورش حرفه‌ای نیست (کیانی‌ماوی، ۱۳۸۲). همچنین بیکاری فزاینده سبب نگرانی لایه‌های گوناگون جامعه به ویژه دانش‌آموختگان آموزش

عالی شده است (کریمی، ۱۳۸۶). و در بین فارغ التحصیلان دانشگاهی، فارغ التحصیلان رشته کشاورزی بیشتر از سایر رشته‌ها با معضل بیکاری روبرو هستند. در حال حاضر در ساختار نظام آموزشی کشور چه در آموزش و پرورش و چه در آموزش عالی موضوع اشتغال و یا آموزش‌های اشتغال محور و کارآفرینی از جایگاه خوبی برخوردار نمی‌باشد. دانش‌آموختگان پس از اتمام تحصیلات وارد دنیای بازار کار می‌شوند و اغلب آن‌ها بدون داشتن اطلاعات کافی از الزامات و نیازهای بازار کار در حاله‌ای از ابهام و ناامیدی قرار می‌گیرند. افراد جوای کار در جامعه به دلیل عدم آشنایی با فرایندهای استخدامی، خوداشتغالی و کارآفرینی از شرایط و اصول تأسیس شرکت یا بنگاه اقتصادی و ایجاد شغل برای خود و دیگران اطلاع کافی ندارند. بنابراین ترویج و اشاعه مفاهیم و راهکارهای علمی استخدام، اشتغال و کارآفرینی در جامعه به ویژه ارتقاء دانش، بینش و مهارت‌های جوانان جوای کار و دانش‌آموختگان در این زمینه از مهم‌ترین و اساسی‌ترین تلاش‌ها در جهت رفع این معضل می‌باشد (صالحی، ۱۳۸۶). در حالی که فرصت‌های خوداشتغالی و کارآفرینی، گزینه‌های مهم اشتغال در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به شمار می‌روند به طوری که امروزه آموزش‌های خوداشتغالی و کارآفرینی بخشی از ساختار نظام آموزشی شده و دانشگاه‌ها، مراکز دولتی و مؤسسات آموزشی بخش خصوصی در امر این آموزش‌ها مشارکت چشمگیری دارند (همان منبع).

بنابراین یکی از مقولات مهم که در چارچوب سیاست‌های فعال بازار کار مد نظر اکثر کشورهای جهان بوده است، برنامه‌های خوداشتغالی و اعتبارات خرد برای رویارویی با بیکاری است. بسیاری از کشورها با اتخاذ برنامه‌های حمایت از بخش خوداشتغالی توانسته‌اند فرصت‌های جدید شغلی را در این بخش ایجاد کنند که به طور عمده حمایت‌های آن‌ها به صورت حمایت‌های اجتماعی مانند مشاوره حمایت‌های مالی در قالب اعطای اعتبارات و تسهیلات به بنگاه‌های کوچک و کسب و کارهای کوچک بوده است که تحت عنوان اعتبارات خرد یا حمایت‌های مالی کوچک از آن‌ها یاد می‌شود (Gomez Rafael and Santor Eric 2003) این حمایت‌ها باعث می‌شود تعدادی از بیکاران به بخش خوداشتغالی روی آورند و در نتیجه نرخ بیکاری کاهش یابد (قویدل، ۱۳۸۷).

اهمیت توجه به آموزش کارآفرینی و مهارت‌های خوداشتغالی در دانشجویان کشاورزی

رشد فزاینده جمعیتی که همه ساله وارد بازار کار می‌شوند، محدودیت منابع مالی برای سرمایه‌گذاری در ایجاد فرصت‌های شغلی، تورم نیروی انسانی در بخش خدمات دولتی، بالا بودن هزینه سرانه سرمایه‌گذاری و ایجاد شغل در بخش‌های اقتصادی (صنعت، کشاورزی و خدمات) و عدم تناسب آن با بودجه و اعتبارات محدود که در قانون بودجه سالانه پیش‌بینی و منظور می‌شود، بعضی اوقات دستیابی به اشتغال مولد و پایدار را با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌سازد (فمی و همکاران، ۱۳۸۶). از این رو، بخش غیر مزدبگیری اقتصادی (خوداشتغالی) با دو ویژگی هزینه سرانه کمتر و بازدهی سریع می‌تواند به عنوان راهکاری مناسب جهت کاهش بیکاری مورد نظر قرار گیرد. در اکثر کشورهای جهان نیز هدایت جویندگان کار به سمت فعالیت‌های خوداشتغالی راه حل مؤثری جهت حل معضل بیکاری محسوب می‌شود (میرحسینی، ۱۳۸۰). همچنین خوداشتغالی برای رشد و توسعه و بسیج منابع و اشتغال در کشورهای امروزی بسیار اهمیت دارد و در سده‌های اخیر دید سنتی نسبت به آن و طبقه‌ای از جامعه که خوداشتغال بودند به ویژه در غرب بسیار تغییر کرده است. دید سنتی در غرب نسبت به خوداشتغالان و کارآفرینان این بود که معمولاً افرادی به آن روی می‌آورند که از هوش و استعداد کافی برای استخدام در سازمان‌های بزرگ دولتی و شرکت‌های صنعتی برخوردار نبوده و یا به تدریجی جزء شهروندان طبقه دوم (از جمله اقلیت‌های مذهبی، قومی و مهاجرین) محسوب می‌شدند. در حالی که امروزه این دیدگاه تا

حدود زیادی معکوس شده است (مصلح شیرازی، ۱۳۸۲). در ایران خوداشتغالی، بویژه در میان فارغ التحصیلان دانشگاهی هنوز شایع نشده است و متأسفانه اغلب فارغ التحصیلان در جستجوی استخدام در وهله اول در دستگاه های دولتی و پس از آن در شرکت های بزرگ هستند. یکی از دلایلی که در کشور ما با اندکی افزایش نسبی در تعداد فارغ التحصیلان دانشگاهی خیلی زود با پدیده بیکاری آنان روبرو شده است، همین مطلب است و این به رغم درصد پایین دانش آموختگان در کل جمعیت کشور نسبت به بسیاری از کشورهای غربی و حتی کشورهای همتراز است (سلیمی و عبدی، ۱۳۸۶). یکی از عملی ترین راه ها و ارزان ترین، آن ها این است که در محتوای درسی دوره های دانشگاهی، بویژه در رشته های حرفه ای مثل پزشکی، مهندسی، کشاورزی حسابداری و مدیریت، حقوق و..... دروسی در مورد برنامه ریزی کسب و کار کوچک و خوداشتغالی گنجانده و آموزش داده شود (همان منبع). همچنین آموزش کارآفرینی و خوداشتغالی در بین دانشجویان در کشور ما از اهمیت زیادی برخوردار است. از یک سو هر سال تعدادی از جوانان این مرز و بوم به خصوص دانش آموختگان بعد از اتمام دوره تحصیلات دانشگاهی به دلیل پیدا نکردن شغل مناسب در داخل کشور، راهی کشورهای بیگانه می شوند که با این کار علاوه بر از دست دادن هزینه های سرمایه گذاری شده برای تربیت این افراد، باعث می شود که تخصص و دانش این افراد با قیمتی ناچیز در اختیار بیگانگان قرار گیرد. عده ای از دانش آموختگان نیز به مشاغلی روی می آورند که متناسب با مهارت و تخصص خودشان نبوده و این امر باعث می شود که آنان نسبت به کار سرخورده شوند و ادامه این روند ممکن است مشکلات اجتماعی و فرهنگی برای کشور در پی داشته باشد. از سوی دیگر گسترش فرهنگ کارآفرینی، خوداشتغالی و ارتقاء مهارت های شغلی و آماده سازی جوانان برای ورود آگاهانه به بازار کار تنها از عهده یک یا چند نهاد و مؤسسه بر نمی آید. بلکه به عزم ملی و تلاش همگانی نیاز دارد. اگر بخواهیم این موضوع در کشور نهادینه شود و در زوایای مختلف زندگی وارد شود. باید از تمام ظرفیت ها، فرصت ها و زمینه های موجود استفاده شود و همه اجزای جامعه در این امر مهم سهیم شوند. از این رو به کمک آموزش های کوتاه مدت و بلندمدت اشتغال و کارآفرینی برای جوانان به ویژه فارغ التحصیلان دانشگاه ها، فرصت گرانبهایی برای تربیت نیروهای مولد و کارآفرینی مهیا می گردد (صالحی، ۱۳۸۶).

بنابراین چالش های اشتغال یا موضوع کار و بیکاری نه فقط یکی از مهم ترین مسائل اجتماعی روز در کشور به شمار می آید بلکه با توجه به میزان رشد جمعیت در دو دهه گذشته می توان آن را مهم ترین چالش اجتماعی چند دهه آینده نیز به حساب آورد. پیامدهای واسط این بحران، گسترش فقر و افزایش دیگر آسیب های اجتماعی از قبیل دزدی، فحشا، اعتیاد و امثال آن است که طبیعتاً ثبات و انسجام اجتماعی را به مخاطره می اندازند. از سوی دیگر تجارب کشورهای مختلف دنیا اعم از توسعه یافته و در حال توسعه، نشان دهنده آن است که بهترین گزینه برای آماده نمودن فراگیران نظام آموزشی جهت اشتغال در بازار کار، خوداشتغالی و آموزش کارآفرینی است. از این رو آموزش عالی کشاورزی با بیشترین نسبت دانشجو نسبت به سایر رشته ها و بالاترین نرخ بیکاری می بایست در اولویت برنامه های آموزش و توسعه کارآفرینی و خوداشتغالی قرار گیرد (عزیزی و حسینی، ۱۳۸۵).

بنابراین یکی از چالش های اساسی و عمده آموزش عالی ایران در بخش کشاورزی، توسعه کارآفرینی و خوداشتغالی در میان دانشجویان و فارغ التحصیلان آن خواهد بود. از سویی دیگر بخش کشاورزی یکی از بخش های اقتصادی مهمی است که، به رغم فراهم نبودن برخی الزامات پایه ای، با توجه به شرایط موجود جهانی ناگزیر باید برای مقابله با چالش اشتغال در کشور از آن مدد گرفت (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۳). خوداشتغالی فرصتی را برای افراد فراهم می آورد که بتوانند برنامه های خود را عملی کنند، زمانی که دوست دارند کار کنند و به هیچ کس پاسخگو نباشند. در واقع، فرد خوداشتغال با اتکا به توان شخصی، ابتکار و خلاقیت خود به کارهای تولیدی و خدماتی می پردازد. از ویژگی ها و امتیازات این بخش از اشتغال آن

است که فرد را به تدریج آماده کسب توانایی های لازم برای ورود به بازارهای بزرگتر و گسترده تر می کند، بر این اساس خود اشتغالی و کار برای خود، زمینه ساز رشد اشتغال آزاد و کارآفرینی در جامعه است (قوامی، ۱۳۸۲).

نتیجه گیری:

همه کشورهای با مشکل بیکاری مواجه هستند، ولی این مسأله در بعضی از کشورها حادثتر از کشورهای دیگر می باشد. یکی از راه های حل این مشکل، کارآفرینی و به دنبال آن خوداشتغالی می باشد. افزایش چشمگیر بیکاری به ویژه در میان گروه های تحصیل کرده زنگ خطر را برای مقامات کشور به صدا در می آورد و از این رو ضروری است که برای حل این مشکل برنامه ریزی دقیق، فراگیر و درازمدت صورت گیرد. کارآفرینی یکی از راه هایی است که شایسته است به عنوان اقدامی پایدار در جهت اشتغال زایی در اولویت قرار گیرد به گونه ای که مردم به ویژه جوانان را چنان تربیت کند که توانایی اقدام و عمل مناسب همراه با انعطاف پذیری و پذیرش موقعیت های شغلی نا امن و پیچیده را در بازار کار داشته باشند و بتوانند مشاغل تازه ای همراه با نوآوری و خطرپذیری شایسته ایجاد کنند. در این راستا، دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی می توانند در زمینه تولید دانش و تکنولوژی با شتاب حرکت کنند و در مورد نظام های صنعتی پیشرفته پژوهش کنند و از دستاوردهای آن ها بهره مند شوند. دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی برای رسیدن به این هدف باید در برنامه های آموزشی و درسی خود آموزش های کارآفرینی و خوداشتغالی را مورد توجه قرار دهند و گام های اساسی در این جهت بردارند. همراستا نبودن دو نظام آموزش عالی و اشتغال و عدم تناسب یا ناسازگاری بین آن ها، یافتن راهکارهای خوداشتغالی برای دانشجویان آموزش عالی را قویاً الزامی می نماید. تنها ارائه یک درس در زمینه کارآفرینی (به صورت اختیاری یا اجباری) آن هم به صورت نظری و یا حتی به صورت عملی مناسب نخواهد بود و باعث گمراهی و انحراف از مسیر اصلی آموزش کارآفرینی خواهد شد. بنابراین باید از طریق مطالعه محیط پیرامون دانشگاه و محیط واقعی کسب و کار کارآفرینانه و با در نظر گرفتن توانایی ها و امکانات موجود یک برنامه طولانی و همه جانبه را طراحی و اجرا نمود. در کنار دوره های متعدد کارآفرینی که به اشکال مختلف ارائه می گردند ارائه برنامه های آموزشی لازم جهت توسعه مهارت های مدیریتی دانشجویان بسیار لازم و ضروری است. یعنی در کنار آموزش کارآفرینی، توسعه مهارت های مدیریتی دانشجویان نیز بسیار ضروری است.

راهکارها

- برای ایجاد مهارت های خوداشتغالی در میان دانشجویان باید علاوه بر ایجاد انگیزه، به پرورش ویژگی های کارآفرینی نیز پرداخته شود برای این عمل می توان به پرورش حس کنجکاوی در میان دانشجویان و پرورش توانایی ایجاد ارتباطات، ایجاد توانایی خلق مسأله، مسأله گشایی و تفکر کردن، برگزاری برنامه های مبتنی بر یادگیری میدانی کشاورزی، آشنایی با کسب و کارهای محلی و کوچک کشاورزی و یا وابسته به کشاورزی و غیره پرداخت.
- همچنین قرار دادن دانشجویان در جریان مستقیم مراحل واقعی یک کسب و کار و راه اندازی آن و در کنار آن مطالعه سوابق کشاورزان کارآفرین و در صورت امکان آشنایی نزدیک با آن ها و تدوین برنامه های کسب و کار کشاورزی قابل اجرا و ترغیب و انگیزش نخبگان جوان کارآفرینی کشاورزی می تواند در این زمینه راه گشا باشد.
- به هر حال برای ایجاد روحیه خوداشتغالی در میان دانشجویان رشته های کشاورزی باید تغییر در دانش و دیدگاه و بینش دانشجویان را در اولویت قرار داد و آن ها را از لحاظ مهارت ها به طور کامل پرورش داد تا واقعاً بتواند مهارتی

را علاوه بر برنامه‌ریزی، اجرا نیز بنماید و آینده شغلی خود را با ایجاد اشتغالی متناسب با دانش و حیطة کاری خود تضمین کنند.

فهرست منابع:

- ۱- احمدپورداریانی، محمود و محمود عزیزی. (۱۳۸۴). کارآفرینی. تهران: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی محراب قلم
- ۲- احمدپورداریانی، محمود و داود فیض. (۱۳۸۰). «نقش و جایگاه دولت در توسعه آموزش کارآفرینی کشور». مجله مدیریت، شماره ۵۶ و ۵۵، صص. ۴۶-۴۱.
- ۳- تسلیمی، محمدسعید. (۱۳۷۸). مطالعه راهکارهای خوداشتغالی و تقویت روحیه کارآفرینی در دانش‌آموختگان آموزش عالی. خلاصه مقالات همایش بررسی مسائل، مشکلات و چشم‌انداز اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی ۹-۱۰ خرداد ۱۳۸۷. تهران: جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی. ۱۳۸۷. صص. ۳۷-۳۰.
- ۴- توکلی مقدم، رضا، سپیده آیانی و حسین عموزاد خلیلی. (۱۳۸۶). بررسی عوامل اثر بخش در آموزش کارآفرینی و راهکار گذار از موانع. مجموعه مقالات همایش ملی آموزش عالی و کارآفرینی. ۱۶ اسفند ۱۳۸۶. سمنان: دانشکده علوم انسانی. صص. ۳۴۳-۳۵۵.
- ۵- حسینی خواه، علی و جمال سلیمی. (۱۳۸۵). آیا می‌توان کارآفرینی را آموزش داد؟ نخستین همایش ملی مدیریت کارآفرینی ۲۶-۲۵ بهمن ماه ۱۳۸۵. تهران: دانشگاه تهران
- ۶- زاهدی مازندرانی، محمد جواد. (۱۳۸۳). «ضرورت‌های کارکردی توسعه اشتغال درملیتو، بخش کشاورزی». فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، سال دوم: شماره ششم، ۱۳۸۳، صص. ۱۵-۱۱.
- ۷- ملیتو، سالاراز. (۲۰۰۵). مقدمه ای بر کارآفرینی، ترجمه: سیامک نطاق، سازمان بهره‌وری ملی ایران، سال ۱۳۷۶.
- ۱۰- سلیمی، جمال و علی عبدی (۱۳۸۶). آموزش کارآفرینی؛ اصول و مبانی، روش‌های آموزش و نقش دانشگاه در آموزش آن. مجموعه مقالات همایش ملی آموزش عالی و کارآفرینی. ۱۶ اسفند ۱۳۸۶. سمنان: دانشکده علوم انسانی. ۱۳۸۶. صص. ۱۰۵-۹۱.
- ۱۱- شعبانعلی فمی، حسین، علی اسدی و شهلا چوپچیان. (۱۳۸۶). آشنایی با شیوه‌های خوداشتغالی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور
- ۱۲- شفیعی زاده، حمید. (۱۳۸۶). آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی. مجموعه مقالات همایش ملی آموزش عالی و کارآفرینی. ۶ اسفند ۱۳۸۶. سمنان: دانشکده علوم انسانی. ۱۳۸۶. صص. ۷۱-۵۷.
- ۱۳- صالحی، محمد. (۱۳۸۶). آموزش کارآفرینی و اشتغال فارغ‌التحصیلان. مجموعه مقالات همایش ملی آموزش عالی و کارآفرینی ۶ اسفند ۱۳۸۶. سمنان: دانشکده علوم انسانی. ۱۳۸۶. صص. ۱۴۷-۱۳۷.
- ۱۴- صالحی، سعید و مسعود برادران. (۱۳۸۵). «راهکارهای بکارگیری کارآفرینی در آموزش کشاورزی». مجله جهاد، شماره ۲۷۴، (آذر و دی ماه ۱۳۸۵)، صص. ۲۰۲-۱۸۳.
- ۱۵- عزیزی، بهارک و سید محمود حسینی. (۱۳۸۵). «نقش آموزش و توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی». ماهنامه جهاد، شماره مجله ۲۴۷، (آذر و دی ماه ۱۳۸۵)، صص. ۱۷۹-۱۶۶.
- ۱۶- قویدل، صالح. (۱۳۸۷). «خوداشتغالی در مقابل بیکاری (مورد ایران)». فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره اول، (بهار، ۱۳۸۷)، صص. ۴۷-۲۱.

- ۱۷- قوامی، هادی. (۱۳۸۲). « بررسی تحولات ساختاری خوداشتغالی با استفاده از روش شناسی تجزیه طی سال های ۱۳۷۵-۱۳۳۵ ». فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، شماره ۱۵، (تابستان ۱۳۸۲)، صص. ۹۱-۶۳.
- ۱۸- کردنائیج، اسدالله و محمدرضا زالی. (۱۳۸۶). آموزش کارآفرینی در نظام تعلیم و تربیت کشور. مجموعه مقالات همایش ملی آموزش عالی و کارآفرینی. ۶ اسفند ۱۳۸۶. سمنان: دانشکده علوم انسانی. ۱۳۸۶. صص. ۱۹-۱.
- ۲۰- کردنائیج، اسدالله و جلیل دلخواه. (۱۳۸۳). « اشتغال زایی در بخش خدمات راهکاری مطمئن جهت اشتغال فارغ التحصیلان آموزش عالی ». ماهنامه کارآفرینان، سال سوم: شماره ۲۶، (آذر ۱۳۸۳)، صص. ۱۳-۶.
- ۲۲- کیانی ماوی، رضا. (۱۳۸۲). « کارآفرینی و اشتغال ». نشریه راهکار کارآفرینان. پیش شماره دوم، (خرداد ۱۳۸۲)، صص. ۸-۵.
- ۲۳- محمودی نژاد، احمد، حسام احمدی و محمد سجادیان. (۱۳۸۳). بررسی میزان تأثیر آموزش های مراکز فنی و حرفه ای در توسعه خوداشتغالی کارآموختگان کرج، وزارت کار، سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور، اداره کل آموزش فنی و حرفه ای، منطقه کرج.
- ۲۴- مصلح شیرازی، علی نقی. (۱۳۸۲). کتاب کاری؛ ایده پردازی کارآفرینی و چگونگی تدوین طرح تجاری - صنعتی. تهران: سلمان سایه هور.
- ۲۵- میرحسینی، مهرداد. (۱۳۸۰). « نقش اتخاذ سیاست های اقتصادی مناسب در ایجاد اشتغال: با تأکید بر اجرای طرح فرصتی اشتغال ». نشریه کار و جامعه، شماره ۴۸، (مهر ۱۳۸۰)، صص. ۳۸-۳۴.

26-DETE(Department of Enterprise, Trade and Employment) ,2004.Code of Practice for determining employment or Self- employment status of individuals , Department of Social and Family Affairs, Department of Finance Fifth Congress of Trade Unions, Irish Business and Employers Confederation, Revenue Commissioners. Ireland.

28-Kuratko, Donald F. (2004). "Entrepreneurship education in the 21st century: from Legitimization to Leadership". Coleman White Paper Series. Available at : www.usasbe.org/pdf/01.pdf/.

۳۰- Yip , GS. ,Loewe ,p .m and Yoshino ,M.Y.(1998),”How to tack your company to the global market”.Columbia journal of World Business,Winter,pp.37-47.

3۴- Fairlie, Robert, W., and Bruce D. Meyer. (1996). An Ethnic and Racial Self-Employment Differences and Possible Explanations. Journal of Human Resources, Vol. 31, No. 4 (Fall),p. 790.

Reviewing the Need for Entrepreneurial and Self-employment Education for Agricultural Students

H. Fotovatti, M. Choromzadeh. Dr. A. Ajili, and S. A. Nourbakhsh

Abstract

The issue of unemployment during recent years has become the most important security threats to national development. Experts, scholars and all policy-makers speak on unemployment program but yet they have not been implemented an effective plan to confront with this issue and all its dimensions. Moreover, there launched no proper plan to overcome the negative consequences of this challenge especially for the agricultural graduates. Respecting the issue of unemployment among graduates of higher education, there seems greater sensitivity and importance that why every year a considerable part of human resources are exposed to limited training opportunities. It is to be emphasized that the past decades have been characterized by substantial growth and development of countries mainly relying on training and employing human capital in terms of human graduates. Unfortunately, university graduates in the agriculture sector suffer undesirable situation compared to other fields. In addition, no rapid attempts may exist toward solution of the problem of unemployment, and instead, long term planning shall be developed in accompany with profound attention to the various aspects of rural development, export and industrial promotion, etc. In this research, one of the methods in solving the problem i.e., promoting self-employment culture is employed and extended. On the other hand, self-employment especially among university graduates of Iran is not yet common and regrettably most graduates tend to search for employment only in the governmental organizations and in the big companies. Therefore, entrepreneurial and self-employment development among the students and graduates is assumed as one of crucial challenges of the higher education in agriculture sector. This article focuses on the importance of self-employment and entrepreneurial issue in the field of agriculture and how to access and promote self-employment and entrepreneurship for agricultural graduates, followed by certain suggestions offered in this regard.

Key words: Entrepreneurship, Self-employment, Graduates